



تعیین حوزه تلفیق و شاخصهای کنترل در دولت مرکزی امریکا

دکتر محمدحسین صفرزاده ✍️

تدوین چارچوب مفهومی و استانداردهای حسابداری بخش عمومی از مرداد سال ۱۳۸۸ در دستور کار سازمان حسابداری قرار گرفته است. بر این اساس، واحدهای بخش عمومی از ابتدای سال ۱۳۹۴ ملزم به رعایت استانداردهای حسابداری بخش عمومی هستند.

طبیعی است گزارشگری مالی و تهیه صورتهای مالی در سطح کل دولت، با مشکل‌هایی همراه است. یکی از این مشکل‌ها، تعیین حوزه تلفیق بخش عمومی و واحدهایی است که اطلاعات آنها باید در صورتهای مالی کل دولت در نظر گرفته شود.

در شماره پیشین مجله، به معرفی پنج دیدگاه برای تعیین حوزه تلفیق در بخش عمومی پرداخته شد. این دیدگاه‌ها شامل دیدگاه اقتصادی، دیدگاه بودجه‌ای، دیدگاه سازمانی و قانونی، دیدگاه آماری و دیدگاه مبتنی بر ریسک بود که بدون شک استفاده از این دیدگاه‌ها می‌تواند به مقامهای مسئول در تعیین اجزای دولت به منظور شمول در صورتهای مالی تلفیقی کمک کند. در این شماره، حوزه تلفیق و شاخص‌های کنترل در دولت مرکزی امریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد. در همین راستا، در شماره‌های بعدی مجله، به بررسی تجربه‌های کشورهای پیشرو در حوزه حسابداری بخش عمومی پیرامون تعیین حوزه تلفیق در بخش عمومی و شاخص‌های کنترل خواهیم پرداخت. شماره بعدی مجله، به تعیین حوزه تلفیق و شاخص‌های کنترل در دولتهای محلی و ایالتی امریکا اختصاص دارد.

دیدگاه برنامه‌ای

از دیدگاه برنامه‌ای^۳، دولت از برنامه‌ها و فعالیت‌ها تشکیل شده است. منظور از برنامه‌ها و فعالیت‌ها، خدمات و کارهای مشخصی است که سازمانها انجام می‌دهند. هر برنامه و فعالیت، مسئولیت ایجاد ستانده‌های خاصی به منظور دستیابی به پیامدهای مطلوب را برعهده دارد.

هیچ تعریف مورد توافقی برای واژه «برنامه» وجود ندارد و تعریف آن از دیدگاه اشخاص مختلف، متفاوت است. برای مثال، برنامه ساخت بزرگراه می‌تواند با برنامه ساخت تمام بزرگراههای دولت مرکزی، برنامه ساخت بزرگراههای بین ایالتی (در مقایسه با خیابانهای شهری، جاده‌های فرعی، و...)، یا برنامه ساخت بزرگراه بین دو نقطه مشخص، مرتبط باشد. کمیته‌های فرعی مجلس سنا و مجلس نمایندگان امریکا در گزارشهای سالانه خود، واژه‌های برنامه، پروژه و فعالیت را در انطباق با قوانین موضوعه تعریف می‌کنند.

اصطلاح برنامه، بیشتر اوقات به جای اصطلاحهای وظیفه^۴ و وظیفه فرعی^۵ به کار برده می‌شود. اما به طور کلی، اصطلاح وظیفه تنها برای وظایف تعریف شده در بودجه به کار برده می‌شود. در دیگر موارد، از اصطلاح برنامه استفاده می‌گردد.

تداخل دیدگاهها

برنامه‌ها به وسیله سازمانها اجرا و به وسیله حسابهای بودجه‌ای تأمین مالی می‌شوند. در مواردی اندک، بین این سه دیدگاه رابطه یک به یک وجود دارد. در چنین مواردی، یک حساب بودجه‌ای جداگانه، یک برنامه و سازمان خاص را تأمین مالی می‌کند. بنابراین، برنامه تنها به وسیله یک سازمان انجام می‌شود و سازمان تنها یک برنامه را انجام می‌دهد؛ اما بیشتر اوقات برنامه‌ها به وسیله بیش از یک حساب بودجه‌ای تأمین مالی می‌شوند که برخی از آنها ممکن است در کنترل واحد سازمانی اجراکننده برنامه نباشد. حتی برخی از برنامه‌ها از سوی بیش از یک سازمان به اجرا در می‌آیند. همچنین، یک سازمان یا حساب بودجه‌ای جداگانه می‌تواند مسئول چندین برنامه باشد.

در برخی موارد، یک برنامه می‌تواند به عنوان یک واحد سازمانی در نظر گرفته شود. افزون بر این، برخی از حمایت‌های

ساختار دولت مرکزی امریکا

طبق بیانیه شماره ۲ مفاهیم نظری حسابداری مالی دولت مرکزی، دولت مرکزی ساختار بسیار پیچیده‌ای دارد که متشکل از اجزای زیادی است. برای مقاصد گزارشگری و حسابداری، دستکم از ۳ دیدگاه می‌توان دولت مرکزی را مدنظر قرار داد. با وجود این، ماهیت هر یک از اجزا، روابط بین آنها و دیدگاهها، همواره پایدار نیست.

دیدگاه سازمانی

نخستین دیدگاه، دیدگاه سازمانی^۱ است. دولت مرکزی از سازمانهایی تشکیل شده است که منابع را مدیریت کرده و مسئول اجرای عملیات (از جمله ارائه خدمات) هستند. این سازمانها شامل وزارتخانه‌های اصلی و دستگاه‌های اجرایی مستقل بوده که خود نیز به سازمانهای زیرمجموعه (فرعی) تقسیم می‌شوند. سازمانهای زیرمجموعه به واحدهای سازمانی کوچکتری گفته می‌شود که با طیف گسترده‌ای از عنوانهایی از جمله اداره‌ها، دفاتر، دستگاه‌های اجرایی، سیستم‌های خدماتی و شرکت‌های سهامی، شناخته می‌شوند. بسیاری از این سازمانهای زیرمجموعه، به سازمان‌های زیرمجموعه کوچکتری تقسیم می‌شوند. از سوی دیگر، دستگاه‌های اجرایی کوچکی وجود دارند که تقسیم آنها به واحدهای کوچکتر مناسب به نظر نمی‌رسد.

دیدگاه بودجه‌ای

از دیدگاه بودجه‌ای^۲، دولت از حسابهای ارائه‌شده در بودجه (حسابهای بودجه‌ای) تشکیل شده است. اندازه این حسابها، از حسابهای بسیار کوچک (که برای محدود کردن مدیریت سودمند می‌باشند) تا حسابهای بسیار بزرگ (که می‌تواند برای تأمین مالی بسیاری از فعالیت‌ها مورد استفاده قرار گیرد)، متغیر است. حساب بودجه‌ای می‌تواند با یک سازمان یا یک یا چند سازمان زیرمجموعه آن منطبق باشد. در موارد دیگر، لازم است چندین حساب بودجه‌ای با یکدیگر تجمیع شوند تا یک سازمان یا سازمان زیرمجموعه تشکیل شود. همچنین، حسابهای بودجه‌ای به وظایف و وظایف فرعی طبقه‌بندی می‌شوند. این شیوه طبقه‌بندی به وسیله قانون الزامی گردیده و از سوی اداره مدیریت و بودجه نیز تعریف شده است؛ بهداشت و دفاع ملی، نمونه‌هایی از این وظایف هستند.

لازم برای انجام یک برنامه، بیشتر اوقات به وسیله سازمانهای دیگر دیگر صورت گرفته و/یا از طریق حسابهای بودجه‌ای دیگر تأمین مالی می‌شود.

این وضعیت پیچیده، نتیجه تکامل سازمانها، برنامه‌ها و ساختارهای بودجه‌ای دولت مرکزی طی سالیان زیاد است. وزارتخانه‌های جدید با تغییر و توسعه هدفها و برنامه‌های دولت مرکزی، ایجاد شده‌اند، سازمان‌های جدید به وزارتخانه‌های موجود اضافه شده و وظایف جدیدی براساس ملاحظات مختلف، به سازمان‌های موجود واگذار شده است. به طور مشابه، ساختار بودجه در پاسخ به نیازهای کنگره، کمیته‌ها و کمیته‌های فرعی آن و ابتکارهای مختلف از سوی رئیس‌جمهور، مدیران برنامه و گروه‌های ذینفع، تکامل یافته است.

شناسایی واحدهای گزارشگر برای گزارشگری مالی با مقاصد عمومی

واحدهای گزارشگر واحدهایی هستند که صورتهای مالی با مقاصد عمومی را برای انتقال اطلاعات مالی و مرتبط با واحد منتشر می‌کنند. طبق بیانیه شماره ۲ مفاهیم نظری حسابداری مالی دولت مرکزی، یک واحد گزارشگر تمام معیارهای زیر را دارند.

- دارای مدیریتی است که در برابر کنترل و به‌کارگیری منابع، تولید ستانده و پیامدها، اجرای بودجه یا قسمتی از آن مسئولیت دارد، و پاسخگویی عملکرد واحد است.
- گستره واحد گزارشگر به‌گونه‌ای است که صورتهای مالی آن، حوزه عملیات و شرایط مالی آن را به صورت معناداری معرفی می‌کند.
- دارای استفاده‌کنندگانی بالقوه از صورتهای مالی است که قادر و مایل به استفاده از اطلاعات مندرج در صورتهای مالی به منظور تصمیم‌گیری در رابطه با تخصیص منابع و سایر تصمیمها بوده و واحد را ملزم به پاسخگویی در قبال به‌کارگیری و مصرف منابع می‌کنند.

حسابهای بودجه‌ای، به‌خودی خود معیارهای یادشده را به دست نمی‌آورند و بنابراین، برای هدف‌های انتشار صورتهای مالی با مقاصد عمومی، به عنوان یک واحد گزارشگر محسوب نمی‌شوند. همچنین، با توجه به اندازه و گستره

حسابهای بودجه‌ای در دستگاههای اجرایی دولت، نمی‌توان آنها را به عنوان واحد گزارشگر در نظر گرفت؛ زیرا در این زمینه یکنواختی کافی بین دستگاههای اجرایی دولت وجود ندارد. به همین ترتیب، برنامه‌ها نیز به‌خودی خود مطابق با معیارهای یادشده نیستند و در نتیجه نمی‌توان آنها را به عنوان یک واحد گزارشگر در نظر گرفت که صورتهای مالی با مقاصد عمومی منتشر می‌کند. اما سازمانها و به‌خصوص سازمانهای بزرگتر، معیارهای یادشده را کسب می‌کنند.

وزارتخانه‌ها و دستگاههای اجرایی مستقل عمده، واحدهای سازمانی هستند و بنابراین واحد گزارشگر اصلی محسوب می‌شوند. اما در بسیاری از موارد، صورتهای مالی که اطلاعات واحدهای زیرمجموعه (مانند اداره‌ها، دفاتر، یا دستگاههای اجرایی) در تهیه آنها تجمیع شده، ممکن است سودمندتر از صورتهای مالی مجزای همان واحدهای زیرمجموعه باشد. در حالت اول، صورتهای مالی درک بهتری از نتایج و وضعیت مالی بسیاری از سازمانهای زیرمجموعه و برنامه‌های تشکیل دهنده یک وزارتخانه یا دستگاه اجرایی مستقل عمده را ارائه می‌کنند. این صورتهای مالی می‌تواند دربردارنده برنامه‌های اجراشده به وسیله چندین واحد زیرمجموعه درون يك وزارتخانه یا یک دستگاه اجرایی مستقل عمده باشند.

تجمیع نهایی واحدهای گزارشگر، در سطح دولت مرکزی صورت می‌گیرد. در واقع، دولت مرکزی تنها واحد اقتصادی مستقل است؛ اگرچه برخی اعتقاد دارند که کل کشور، واحد اقتصادی نهایی است. واحد گزارشگر در سطح دولت مرکزی، دربردارنده تمام منابع و مسئولیتهای موجود در واحدهای تابعه می‌باشد؛ اعم از این‌که آنها جزئی از قوای مجریه، مقننه، یا قضائیه باشند. تجمیع، شامل سازمانهایی است که دولت مرکزی بابت آنها پاسخگویی مالی دارد، و همچنین دربرگیرنده سایر سازمانهایی می‌باشد که ماهیت و اهمیت رابطه آنها با دولت به‌گونه‌ای است که حذف آنها از صورتهای مالی دولت مرکزی، سبب گمراه‌کنندگی و نقص اطلاعات این صورتهای می‌شود.

معیارهای شمول واحدهای تابعه در یک واحد

گزارشگر

صرف نظر از نوع واحد گزارشگر (دولت مرکزی ایالات متحد،

معیارهای کمکی

بنا به دلایل سیاسی یا دلایل دیگر، در مواردی نام یک سازمان (شامل شرکت دولتی)، برنامه، یا حساب در قسمت «برنامه‌های دولت مرکزی برحسب دستگاه اجرایی و حساب» بودجه دولت مرکزی گزارش نمی‌شود و عدم شمول آن سازمان، برنامه، یا حساب به‌عنوان بخشی از واحد گزارشگر سبب گمراه‌کنندگی یا نقص صورتهای مالی تهیه‌شده با مقاصد عمومی (با توجه به اهداف گزارشگری مالی دولت مرکزی) می‌شود.

این‌گونه سازمانها، برنامه‌ها، یا حسابها، به‌جای انجام وظایف اصلی دولت، به‌طور معمول در حاشیه وظایف دولت فعالیت می‌کنند. بنابراین، به‌منظور تعریف واحد گزارشگر مالی در سطح دولت مرکزی، افزون بر معیار قطعی به چند معیار کمکی^۸ نیاز است. هیچ معیار کمکی مجزایی، یک معیار قطعی (شمول نام یک سازمان، برنامه، یا حساب در قسمت برنامه‌های دولت مرکزی برحسب دستگاه اجرایی و حساب بودجه دولت مرکزی) محسوب نمی‌شود. همچنین، معیارهای کمکی را نمی‌توان وزن دهی کرد. از اینرو، هرچند که معیارهای کمکی به ترتیب اهمیت رتبه‌بندی می‌شوند، اما قضاوت باید بر مبنای لحاظ کردن تمام آنها صورت گیرد.

معیارهای کمکی برای تعیین سازمانی که نام آن در قسمت «برنامه‌های دولت مرکزی برحسب دستگاه اجرایی و حساب» بودجه دولت مرکزی ذکر نشده است، اما بخشی از واحد گزارشگر مالی در سطح دولت مرکزی به‌شمار می‌رود، عبارتند از:

- سازمان در انجام وظایف دولت مرکزی، از قدرت حاکمیت دولت استفاده می‌کند. قدرت وصول پرداختهای اجباری مانند مالیاتها، جرایم، یا سایر پرداختهای اجباری، استفاده از نیروی پلیس (نیروی انتظامی)، انجام مذاکراتی که در آن منافع دولت ایالات‌متحد با سایر ملل مطرح است، یا استقراض منابع مالی برای استفاده دولت، نمونه‌هایی از نشانه‌های قدرت حاکمیت است.

- سازمان در تملک دولت مرکزی باشد؛ به‌خصوص این‌که مالکیت تنها محدود به اموال نبوده و در مورد سازمان مصداق داشته باشد. همچنین، مالکیت را می‌توان با در نظر گرفتن افرادی که در معرض ریسک ورشکستگی سازمان قرار دارند،

یک سازمان، سازمان زیرمجموعه، یا برنامه، ابهام‌ها و بی‌ثباتی‌هایی درخصوص این‌که واحد گزارشگر باید دربرگیرنده چه مواردی باشد، وجود دارد. تعیین و به‌کارگیری معیارهای مشخص می‌تواند سبب کاهش این ابهام‌ها و بی‌ثباتی‌ها شود. هیئت استانداردهای حسابداری دولتی (GASB)، معیارهایی برای شمول یک واحد در واحد گزارشگر در سطح دولت محلی یا ایالتی تعیین کرده است.

این معیارها که در ارتباط با پاسخگویی مالی هستند، دربرگیرنده انتصاب اکثریت اعضای دارای حق رأی هیئت‌مدیره سازمان، تحمیل خواسته‌ها و کسب منافع یا تحمل هزینه‌های مالی است. این معیارها باید متناسب با محیط دولت مرکزی طراحی شود.

اول این‌که تنوع واحدها در سطح دولت مرکزی بسیار کمتر از سطح دولتهای ایالتی و محلی است.

دوم این‌که کنگره و سایر نهادهای نظارتی، بیشتر اوقات قوانین روشن و صریحی درخصوص شمول واحدهای تابعه در واحد گزارشگر در سطح دولت مرکزی وضع می‌کنند.

در نهایت این‌که به استثنای دولت مرکزی به‌عنوان یک کل، تمام واحدهای گزارشگر به‌جای این‌که جزئی از یک واحد اقتصادی مستقل باشند، جزئی از یک واحد بزرگتر تحت عنوان دولت مرکزی هستند.

معیار قطعی

به‌هنگام تصمیم‌گیری درخصوص شمول یک واحد به‌عنوان جزئی از یک واحد گزارشگر مالی، دو معیار باید مدنظر واقع شود. اولین معیار (معیار قطعی)^۹، پیامد ذاتی هدفهای گزارشگری مالی است و هر واحدی که این معیار را کسب کند، بخشی از یک واحد بزرگتر به‌شمار می‌آید.

انعکاس نام یک واحد در قسمت «برنامه‌های دولت مرکزی بر مبنای دستگاه اجرایی و حساب»^۷ بودجه دولت مرکزی، یک معیار قطعی محسوب می‌شود. نام هر سازمان، برنامه، یا حساب بودجه‌ای (شامل حسابهای خارج از بودجه و شرکتهای دولتی) که در این قسمت از بودجه دولت مرکزی ذکر شده باشد، نه تنها سبب می‌شود که آن سازمان، برنامه، یا حساب بودجه‌ای به‌عنوان بخشی از سازمان مربوطه تلقی گردد، بلکه باید به‌عنوان قسمتی از دولت مرکزی نیز در نظر گرفته شود.

**طبیعی است
گزارشگری مالی و
تهیه صورتهای مالی
در سطح کل دولت
با مشکلاتی همراه است
یکی از این مشکلات
تعیین حوزه تلفیق
بخش عمومی و
واحدهایی است که
اطلاعات آنها
باید در
صورتهای مالی
کل دولت
در نظر گرفته شود**

صورت نگرفته است)، یا تضمین یا مسئولیت اخلاقی در قبال بدهی یا دیگر تعهدها، مشخص می شود. هر یک از معیارهای یادشده همواره وجود ندارند و ممکن است برای مدت زمانی وجود داشته باشند. به عبارت دیگر، داشتن منافع در يك واحد گزارشگر و ویژگیهای دولتی آن، بسیار ناپایدار است. در به کارگیری معیارهای کمکی، اهمیت واحدهای گزارشگر و روابط آنها با واحدهای دیگر باید مدنظر قرار گیرد. اهمیت نباید تنها از منظر مبلغی اندازه گیری شود. مشکل ها و موانع بالقوه هریک از ذینفعان واحد گزارشگر نیز باید مورد توجه قرار

یا شناسایی کسانی که کارکنان سازمان برای آنها کار می کنند، تشخیص داد.

• سازمان در کنترل اداری مستقیم یا مستمر از سوی واحد گزارشگر قرار دارد و این کنترل با توجه به مؤلفه های زیر مشخص می شود:

۱- وجود توانایی انتخاب یا عزل مقامهای اداره کننده سازمان یا توانایی انتخاب و انتصاب مدیریت، به خصوص اگر قرار باشد در رابطه با انجام وظایف مهم دولتی، رابطه مستمر مهمی با مقامهای اداره کننده یا مدیریت وجود داشته باشد (در قیاس با گزینشها و انتصابهایی که در آنها رابطه مستمر اندکی با مقامات منصوب کننده وجود دارد یا پاسخگویی اندکی در قبال آنها دارند)؛

۲- وجود اختیار بازنگری و تغییر یا تصویب درخواستهای بودجه، تعدیل های بودجه ای، متمم قانونی بودجه، و یا تغییرهای نرخ یا حق الزحمه؛

۳- داشتن حق وتو، لغو، یا تغییر تصمیم های رکن راهبری، یا توانایی تأثیرگذاری درخور ملاحظه بر عملیات معمول؛

۴- وجود اختیار امضای قراردادها؛

۵- امکان تصویب استخدام، انتصاب مجدد، و عزل کارکنان کلیدی؛

۶- وجود مالکیت، توانایی انتقال مالکیت، و/ یا اعمال کنترل بر امکانات و اموال؛ و

۷- وجود حق الزام به انجام حسابرسی فراتر از آنچه که به دلیل پذیرش قراردادها صورت می گیرد.

• سازمان در راستای انجام رسالت و هدفهای دولت مرکزی گام برمی دارد.

• سازمان، پیامد یا نحوه اداره موضوعهای تأثیرگذار بر دریافت کنندگان خدمات ارائه شده از سوی دولت مرکزی را تعیین می کند.

• سازمان دارای روابط امانی با یک واحد گزارشگر است که این روابط از طریق عواملی همچون توانایی واحد گزارشگر در متعهد کردن واحد دیگر (به لحاظ مالی) یا کنترل بر دریافت و بازپرداخت وجوه، و دیگر نشانه های وابستگی متقابل مالی مانند مسئولیت واحد گزارشگر در تأمین کسری ها، حق تصرف نسبت به مازادها (اگرچه تحصیل داراییها از واحدهای ناموفق

به فعالیتهای کشاورزی، و بانکهای اعطاکنده تسهیلات مسکن دولت مرکزی، نمونه‌هایی از این‌گونه مؤسسه‌ها هستند.

براساس قانون، هر یک از مؤسسه‌های تحت حمایت دولت، در نظارت دستگاه خاصی از دولت مرکزی است. با وجود این، نام این مؤسسه‌ها در قسمت «برنامه‌های دولت مرکزی برحسب دستگاه اجرایی و حساب» بودجه دولت مرکزی ذکر نشده و معیارهای کمکی در مورد این مؤسسه‌ها مصداق ندارد. بنابراین، مؤسسه‌های تحت حمایت دولت، نه به‌عنوان بخشی از واحد گزارشگر در سطح دولت در نظر گرفته می‌شوند و نه به‌عنوان بخشی از واحد گزارشگری که برای نظارت بر این مؤسسه‌ها تعیین شده است.



پانوشتها:

- 1- Organization Perspective
- 2- Budget Perspective
- 3- Program Perspective
- 4- Function
- 5- Sub-function
- 6- Conclusive Criterion
- 7- Federal Programs by Agency and Account
- 8- Indicative Criteria
- 9- Bailout Entities
- 10- Federal Reserve System
- 11- Government Sponsored Enterprises (GSE)

منابع:

- صفرزاده محمدحسین، بیانیه‌های مفاهیم نظری حسابداری مالی دولت مرکزی، انتشارات سازمان حسابرسی (نشریه شماره ۲۰۱)، تهران، ۱۳۹۲
- صفرزاده محمدحسین، مفهوم کنترل در بخش عمومی: بررسی تطبیقی، اولین همایش ملی استانداردهای حسابداری بخش عمومی، مجموعه مقالات، ۱۳۹۱، صص ۱۲۹-۱۵۲
- Federal Accounting Standard Advisory Board, **Statement of Federal Financial Accounting Concept**, 2013

گیرد. بنابراین، یکسونگری در جامعیت، با حفظ کنترل مالی قابل توجه خواهد بود [هرگونه ابهام در رابطه با مواردی که باید به‌عنوان واحد گزارشگر قلمداد شود، از سوی اداره مدیریت و بودجه و به‌وسیله مشورت با کمیته‌های وابسته به کنگره حل و فصل می‌شود].

موارد خاص

دولت مرکزی، در برخی موارد، بدهی واحدهای خصوصی که در حال ورشکستگی هستند و ورشکستگی آنها بر اقتصاد ملی، کسب‌وکار، امنیت ملی و... تأثیر منفی دارد را تضمین کرده یا پرداخت می‌کند. یکی از شرایط تضمین این است که دولت مرکزی نسبت به واحد مربوط، اختیارهایی داشته باشد. البته وجود این حقوق و اختیارها سبب نمی‌شود که واحد کمک‌گیرنده^۹، بخشی از واحد گزارشگر در سطح دولت مرکزی یا هر واحد گزارشگر دیگری که بخشی از دولت مرکزی است، قلمداد شود.

بانک مرکزی^{۱۰} مطابق با معیارهای کمکی ارائه‌شده در قبل، در پایه‌ریزی و نظارت بر سیاستهای پولی، انجام وظیفه می‌کند. اما در ایالات متحد، به‌طور سنتی سازماندهی و وظایف مربوط به سیاستهای پولی از دیگر وظایف دولت مرکزی مستقل و جداست تا بدین ترتیب، دستیابی به نتایج اقتصادی و سیاستهای مالی و پولی به‌گونه‌ای مؤثرتر امکانپذیر شود.

بنابراین، بانک مرکزی به‌عنوان بخشی از واحد گزارشگر در سطح دولت در نظر گرفته نخواهد شد. مبالغ پرداختی به/ یا مبالغ دریافتی از بانک مرکزی در صورتهای مالی دولت مرکزی گزارش می‌شود.

مؤسسه‌های متعددی وجود دارند که مجوز فعالیت خود را از دولت دریافت کرده‌اند؛ اما در تملک بخش خصوصی بوده و در این بخش فعالیت می‌کنند. این مؤسسه‌ها با عنوان واسطه‌های مالی تأسیس شده‌اند تا جریان وجوه سرمایه‌گذاری را به قسمتهای خاصی از بخش خصوصی تسهیل کنند و با عنوان **مؤسسه‌های تحت حمایت دولت**^{۱۱} شناخته می‌شوند.

انجمن ملی رهن دولت مرکزی، بانکهای اعتباردهنده